



پنجشنبه ۲۵ جنوری ۲۰۲۴

انارگل خوستی

مرغ شان یک ننگ دارد

دو برادر جوړه برخوردار را اگر دنیا را آب برد، تا بند پای شان است و مصروف سفسطه بافی جهت تبرئه نمودن رفقای حزبی خود هستند که نه شب را می بینند و نه روز را. خود را به در و دیوار می کوبند و هر چه به قلم شان و به فکر شان خطور می کند، با سیاه نمودن روی کاغذ، روی خود را نیز سیاه می نمایند. صفحات وبسایت آریانا افغانستان آنلاین هر روز شاهد جفنگ گفتن این دو برادر جوړه برخوردار است. سوال اینجاست که چرا آنها از سایت های بی در و دروازه پرچمی ها رانده شده اند و چرا آریانا- افغانستان آنلاین را جهت تبلیغات متعفن حزبی خود انتخاب نموده اند؟ مثلاً به تاریخ هفدهم جنوری یکی از برادران که فکر می کند عقل عالم است و با نقل قول ها از مجله های سی، چهل سال قبل آلمانی و فیلسوفان، راست و دروغ، و بدون مفهوم، به صورت توته توته نوشته ها را جمع آوری نموده و از آن یک مضمون می سازد. در لابلای آن شروع به تبلیغات پوچ حزبی و پرده پوشی از جنایات خلقی ها و پرچمی های خائن و جنایت پیشه خود می پردازد. مضمون هفدهم جنوری وی به عنوان آخرین دیدار شروع می شود:

در شروع در قسمت بالای طرف چپ، عکس بادر شان (بریژنف) لعین دیده می شود، زیرا این شخص خون آشام (بریژنف) اول حزب منفور شده خلق - پرچم را برای کودتا نمودن آماده و کمک کرد و بعداً وقتی متوجه شد که کودتای خونبار رو به سقوط است، به افغانستان عزیز لشکر کشی نمود و نتیجه لشکر کشی اردوی سرخ هم سر "اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی" را خورد و هم از نوکران بی غیرت تجاوزگران روسی را.

مضامین تبلیغاتی این دو برادر جوړه برخوردار فقط به منظور پرده پوشی بالای جنایات رفقای جانی حزبی شان می باشد.

افغان های رنج دیده و با احساس که همه از دوری وطن رنج می برید، نگذارید که این تفاله ها برای نبرته رفقای خود از هر موقع استفاده نموده و جفنگ پراگنی کنند. باید از هر موقع برای یادآوری از خیانت های شان استفاده نمود. منتظر هفتم ثور و ششم جدی نباشید.

بر می گردیم به مضمون فوق الذکر: در ابتدا خبر کودتای سردار داوود خان را از قول مجله آلمانی ذکر کرده و توضیح می دهد که پادشاه افغانستان در حمام می باشد که محافظش خبر کودتا را برایش می رساند، جالب است! فکر می کند که با این ترتیب بالای پادشاه افغانستان ریشخند می زند.

گوشه از مضمون "آخرین دیدار" تاریخ نشر هفدهم جنوری :

«در یک کشوری که بر طبق احصائیه های «یونیسکو» و بانک جهانی، در جمله ده کشور فقیرترین، در جهان شمرده شده است. زیرا افغانستان، این کشور فقیر کم آب، با کوه های تقریباً فاقد گیاه در هندوکش، با دومین برابر بزرگی مساحت آن با مساحت جمهوری اتحادی آلمان - بر حسب تخمین بین ۱۲ تا ۱۸ میلیون انسان زنده گی می کنند که اوسط عاید سرانه در سال ۱۵۰ مارک گزارش یافته است. یک شمارش نفوس هیچگاه، وجود نداشته است. قریب نیم نفوس را کوچی ها، تشکیل داده است. چوپان های رمه های گوسفند، در دشت های سنگزار، دائماً در جستجوی آب و چراگاه، در گردش اند. حتی در سالهای اقلیمی مساعد، انسانها و حیوانات، در سرحد موجودیت و هستی بسر می برند. از جمله ۵ طفل، ۳ آن به سن بالاتر از ۱۲ سال نمی رسند. در تمام کشور فقط ۷۰۰ داکتر طب وجود دارد. اضافه از ۹۰ (نود) فیصد، افغانها، نمی توانند بنویسند و بخوانند. درین کشور عقبمانده، قدرت در دست فیئودالان عقبمانده و ملاهای اسلامی قرار دارد، که کمترین پیشرفت را مانند بهداشت و یا تعلیم مکتب را به مفهوم «دستگاه» و «گارگاه» شیطان می نامند و شکست ناپذیر اند. در اقوام و دودمان های آنها، افغانها، در «شهبازده های محلی و «روحانیون» نظر به قدرت دولتی دور افتاده در کابل، قویتر قرار دارند. تمام تحت اداره تلاش های این پادشاه، حال عزل شده، که می خواست با ریفرم های متواضع، وضعیت قرون اوسطائی را تغییر دهد - در جمله چادری را برای زنان منسوخ اعلان کند، و به احزاب اجازه دهد - در اثر مقاومت منفی مذهبیین خرافاتی و مالکین بزرگ زمین، ناکام گردید. «

ترجمه مضمون آلمانی فوق الذکر از زبان آلمانی به دری، از جانب نویسنده آن صرفاً یک مقدمه است که کودتای منحوس حزب نادیمراتیک خلق و پرچم را توجیه نماید.

در مضمون بیست و دوم جنوری باز هم کوشیده است که از هر کنج و کنار توته توته نوشته ها را جمع آوری کرده و با یک تعداد از عکس ها که معلوم نیست دلیل نشر آن چیست؟ و برای کیست؟

فقط به دلیلی است که بتواند از استالین خونخوار که الگوی حزب خلق و پرچم است، یاد آوری نماید و نمونه بارز آن نجیب گاو مشهور به قصاب کابل است، زیرا این شخص خون آشام مشهور به قصاب کابل، استالین را الگوی خود قرار داده و مانند استالین کشتار نمود.

با نوشتن مضامین در هم و بر هم خود این شخص که برای خود القاب زیادی انتخاب نموده است می خواهد حزب منفور و رانده شده خلق و پرچم را برائت بدهد و فکر می کند که می تواند برای جنایات حزبی های خود یک راه گنجشکک پیدا نماید.

برادر دومی که هم در قسمت نظریات جفنگ می گوید و هم در صفحه مضامین، نوشته ها را از هر طرف جمع آوری نموده و روی کاغذ بیچاره را مانند روی خود و رفقای حزبی خود سیاه می کند و در لابلای نوشته های بی ربط خود، همه را دشنام می دهد، مگر یکمرا تبه هم که شده نه خودش و نه برادر فیلسوفش حزب نادیموکراتیک و رانده شده از خدا و ملت افغان را ملامت نمی کند، در حالیکه همه بدبختی حاصل همان کودتای بدفرجام، منحوس و منفور خلقی ها و پرچمی های خائن می باشد که سر نوشت یک کشور و یک ملت را دگرگون ساخت.

فعالاً که وطن عزیز از یک آرامی و امنیت برخوردار شده، باز هم آتش در جان خلقی و پرچمی در گرفته است و هر روز بر علیه آن ها تبلیغات منفی جریان دارد. و این جوهره برخوردار ها مخصوصاً همانیکه در قسمت نظریات زیادتر فعال است دشنام های زیاد نثار دولت فعلی می کند در حالیکه رفقای خود شان روی تاریخ را با جنایات خود سیاه کردند.

انشا الله که دولت فعلی تمامیت ارضی کشور را حفظ نموده و در راه ترقی و ارتقاء وطن کوشا باشد.

خرابی و بدبختی چهل و شش سال جنگ و ویرانی را برطرف نمودن، کار آسان نیست، امید به خداوند پاک که موفق شوند.

در مورد باز شدن دروازه های مکاتب و پوهنتون ها برای طبقه انات نیز کار جریان دارد. هموطنان باید از تخریب و تبلیغات منفی اجتناب نمایند و به عوض آن با نظریات مثبت در راه ترقی و تعالی کشور مصدر خدمت شوند. جنگ راه حل نیست. ایجاد فتنه و تفرقه یکی از مختصات دیرین خلقی ها و پرچمی ها است که در مکتب جاسوسی کی جی بی روسی خوب فرا گرفته اند. این جماعت نفرین شده، به این تفتین های طولانی و بلاوقفه خود عادت کرده اند و همین ذکر صبح و شام شان است. از آنها نمی توان گله داشت، عادت گزدم، گزیدن است، اما وا به روز آنانیکه زمینه گزیدن گزدم ها را آماده می سازند. زمستان رفتنی است و رو سیاهی به ذغال ماندنی. بیائید به جای بر

تاریکی لعنت گفتن، شمعی بیفروزیم. از خود و خانه خود شروع کنیم و منتظر دیگری نباشیم که چه زمان شمعی خواهد افروخت. ما نباید و نشاید، منتظر آن باشیم که از خلقی و پرچمی، حتی یک حرف بیآموزیم، آنان خود در تاریکی و ذلت مطلق به سر میبرند و وجدان و ضمیر شان دیربست مرده است. مرغ آنها همان یک لنگ را دارد و دور همان یک لنگ چرخک زده میروند و ساحت فریاد شان هم از حنجره است تا کام.

استقلال- خپلواکی : اغلاط املائی و انشائی نقل قول یا اقتباس، به حال خود گذاشته شده اند.